

ارزش‌گذاری کار خانگی زنان در اسلام و رویه‌ی نهادهای بین‌المللی

حوریه حسینی‌اکبرنژاد*

چکیده

ارزش‌گذاری مشاغل مراقبتی و خانگی زنان یکی از موضوعات مطرح در رویه‌ی اخیر نهادهای بین‌المللی است. از منظر نهادهای بین‌المللی این مسئله ارتباط تنگاتنگی با برابری جنسیتی و برخورداری زنان و دختران از حقوق بشر و مقابله با فقر و نابرابری دارد. راهکار نهادهای بین‌المللی متضمن تنزل و در نهایت محو نقش مادری و مقابله با اشتغال زنان به خانه‌داری و جایگزینی آن‌ها از طریق واگذاری به بخش عمومی و تمهید اشتغال درآمدزا و تمام‌وقت برای زنان است. درحالی‌که در الگوی مطلوب در نظام اسلامی، زن محور و ستون اصلی خانواده است و دو وظیفه‌ی مهم مادری و همسری را بر عهده دارد که ایفای مطلوب آن در نقش خانه‌داری متبلور می‌شود و تحقق کامل آن منوط به فراهم شدن الزامات و احقاق حقوق، از جمله در حوزه‌ی مالی است که بر عهده‌ی همسر و دولت قرار دارد. در این مقاله، ارزش‌گذاری کار خانگی زنان، در رویه‌ی نهادهای بین‌المللی و تعالیم اسلامی بررسی تطبیقی شده است. تمایز و تعارض راهبردهای اجرایی و عملیاتی در دو نظام مذکور مشهود است. نکته‌ی بسیار مهم، توجه به این مقوله‌ی مهم در نظام حقوق داخلی از منظر تعالیم اسلامی و ضرورت رفع خلأهای قانونی موجود در جهت احقاق حقوق زنان خانه‌دار و ارج نهادن به نقش مادری است که مستلزم نقش‌آفرینی مؤثر شوهر و نیز پشتیبانی همه‌جانبه‌ی دولت است.

واژگان کلیدی

ارزش‌گذاری، کار خانگی، اجرت‌المثل، خانواده، مادری.

*. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (hooriehhosseini@modares.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۸

۱- مقدمه و بیان مسئله

خانه‌داری نقشی اجتماعی است که بر محور جنسیت جداسازی شده است و براساس آن زنان در همه‌جا با پرورش کودکان، نگهداری و اداره‌ی خانه سروکار دارند؛ به عبارت دیگر، همین که فردی با جنسیت زن زاییده شود، بار مسئولیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری بر دوش او قرار می‌گیرد. گیدنز در این باره می‌گوید: «ضرورت فیزیکی اولیه، که مادران باید کودکانشان را به دنیا آورند و پرستاری کنند به سادگی به استمرار نقش مراقبتی و پرورشی می‌انجامد که زنان در تمامی فرهنگ‌ها می‌پذیرند» (بدری‌منش و صادقی فسایی، ۱۳۹۴: ۶۰).

از آغاز قرن بیستم، کار خانگی از موضوعات چالشی در گفت‌وگوهای فمینیستی بوده است. قدیمی‌ترین کتابی که از بعد جامعه‌شناختی خانه‌داری را مطالعه کرده کتاب *زن خانه‌دار* آن اکل^۱ است. وی در بخش اول کتاب مراحل تاریخی کار خانگی در بریتانیا را بررسی و سه مرحله را مشخص می‌کند. در بخش دوم به احساس زنان درباره‌ی کار خانگی اشاره و مشکلات روانی و اقتصادی زنان خانه‌دار را بررسی می‌کند و مادری و تقسیم‌کار جنسی را ناشی از اسطوره‌های فرهنگی می‌داند. وی در نهایت بیان کرده است که زنان به انقلاب ایدئولوژیک نیاز دارند و باید نقش زن خانه‌دار، خانواده و همچنین نقش‌های جنسیتی از بین برود تا زنان از پایگاه سنتی خود جدا شوند (همان، ۶۲-۶۰). از آن پس، کشورها همواره در سطوح ملی و بین‌المللی به اشکال گوناگون به این مسئله پرداخته و کوشیده‌اند برای پایان دادن به کار بدون مزد زنان در خانه راه‌حل‌های متعددی ارائه دهند و آن را به یک فعالیت اقتصادی با مزد تبدیل کنند (علاسوند و نیکوخصال، ۱۳۹۶: ۸). در سال‌های اخیر، مشاغل خانگی و بدون درآمد یکی از محورهای کلیدی در رهیافت توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شوند که زندگی روزانه افراد جامعه به آن وابسته است و بدون این مشاغل، افراد، خانواده‌ها، جوامع و اقتصاد نجات و رونق پیدا نخواهند کرد، اما از منظر نهادهای بین‌المللی خصوصاً نهادهای فعال در حوزه زنان مانند نهاد زنان ملل متحد، این مشاغل همچنان ارزش‌گذاری نمی‌شود و زنان و دختران به‌طور مرسوم و رایج در امر مراقبت و نگهداری اشتغال دارند و در نتیجه برای اشتغال در مشاغل درآمدزا فرصت کمتری دارند. همچنین برای رهایی از فقر و استقلال مالی و گردآوری مال و پس‌انداز و برخورداری از حقوق باننشستگی در سال‌های آتی زندگی خود امکان کمی خواهند داشت. در رویه‌ی نهادهای مذکور، زنان شاغل در امور خانگی برای تحصیل و آموزش، مشارکت سیاسی، مراقبت از خود و استراحت و تفریح زمان

کمتری دارند و به این ترتیب این موضوع، از منظر بین‌المللی با برابری جنسیتی و برخورداری زنان و دختران از حقوق بشر و مقابله با فقر و نابرابری و تحقق توسعه‌ی پایدار ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند (UN Women, 2016: 8). نکته‌ی بسیار مهم، راهکاری است که نهادهای بین‌المللی در این باره پیشنهاد داده‌اند و باید دید که آیا هدف و غرض واقعی شناسایی و ارزش گذاری کار خانگی و اشتغال زنان در امور خانه و نگهداری فرزندان است و یا تنزل این قبیل فعالیت‌های زنان و جایگزینی آن‌ها از طریق واگذاری به بخش عمومی و دولتی است؟ در آموزه‌های اسلامی، با توجه به نقش زن در خانواده، حقوق همه‌جانبه‌ای از جمله حقوق اقتصادی برای وی احصاء گردیده است. در الگوی اسلامی خانواده بر اهمیت نقش مادری و همسری تأکید شده است که ایفای مطلوب آن در نقش خانه‌داری متبلور می‌شود. البته این ساختار، اقتضات حقوقی و اخلاقی خاص خود را دارد که از جمله امنیت اقتصادی یا تأمین نیازهای اقتصادی زن است تا زن بتواند به نحو مطلوب به ایفای نقش خانوادگی خود مبادرت کند (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۰). در این مقاله، موضوع ارزش گذاری کار خانگی زنان از دو منظر اسناد و رویه‌ی بین‌المللی و نیز آموزه‌های اسلامی بررسی تطبیقی خواهد شد و تمایز و تعارض راهبردهای اجرایی و عملیاتی برای تحقق این مهم، در دو نظام مذکور تبیین و ارائه می‌شود.

۱۴۵

۲- تعریف مفاهیم

۲-۱- مشاغل بدون درآمد^۱: در رویه‌ی نهادهای بین‌المللی مشاغل بدون درآمد به‌عنوان کاری تعریف می‌شود که مزدی در قبال آن دریافت نمی‌شود و در نتیجه خارج از شمول تعریف استاندارد مقرر در علم اقتصاد است (Alonso & et al, 2019: 6). این مفهوم طیف گسترده‌ای از کارها را شامل می‌شود که مستقل شناسایی نمی‌شوند، از جمله:

۱- کار بدون درآمد خانه‌داری یا در مشاغل و حرفه‌های خانوادگی؛

۲- فعالیت‌هایی نظیر جمع‌آوری آب یا سوخت؛

۳- پخت و پز، نظافت، خرید، مدیریت خانه و نگهداری از کودک و والدین یا دوستان سالمند. دو قسم اول، فعالیت اقتصادی هستند و باید در نظر و تئوری در تولید ناخالص ملی احتساب شوند. مورد سوم، برخلاف اهتمام و تلاش اقتصاددانان فمینیست هنوز در زمره‌ی فعالیت‌های اقتصادی شناسایی نشده است. به این ترتیب، خدمات انجام شده ذیل آن خارج از بازار کار است، مابه‌ازای مالی برای آن وجود ندارد، کمی‌سازی این نوع کار در داده‌های حساب‌های ملی دشوار

است و در تولید ناخالص داخلی گنجانده نمی‌شود (جز در معدود کشورهای جهان). با این وجود در سال‌های اخیر، تحقیقات مبسوطی درباره‌ی زمان و دیگر شرایط کارهای بدون درآمد از جمله تفکیک افراد ذی‌ربط بر مبنای سن، جنس و موقعیت جغرافیایی گردآوری شده است (Ibid).

۲-۲- مشاغل مراقبتی بدون درآمد^۱: این مفهوم مشتمل بر نگهداری مستقیم از افراد (پرستاری) است، در حالی که پاداش مالی صریح و مشخصی وجود ندارد. مراقبت مستقیم (نگهداری کودک یا سالمند) اغلب مجزا از دیگر فعالیت‌ها نظیر آشپزی، خرید و نظافت (کار خانگی) قلمداد می‌شود، اما این تفکیک وظایف در ظاهر مبنایی ندارد، زیرا گروه‌های تحت مراقبت (کودکان و سالمندان) اغلب توانایی لازم برای انجام دادن امور مربوط به خود و خانه را ندارند. این مفهوم در رویه‌ی نهادهای بین‌المللی با کلیدواژه «اقتصاد مراقبتی» شناسایی می‌شود که شامل تولید و مصرف کالاها و خدمات لازم برای رفاه جسمی، اجتماعی، ذهنی و عاطفی گروه‌های وابسته به مراقبت مانند کودکان، سالمندان، بیماران و افراد معلول است. فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد مراقبتی مشتمل بر دو بخش خدمات مستقیم و خدمات غیرمستقیم است؛ خدمات و اقدامات مستقیم متضمن ارتباط فرد میان فرد مراقب و مراقبت‌شونده است، از جمله شیردهی به نوزاد، کمک به کودکان در انجام دادن تکالیف، کمک به سالمندان بستری و زمین‌گیر و حمایت عاطفی از بیماران لاعلاج. خدمات غیرمستقیم نیازمند ارتباط مستقیم با فرد تحت مراقبت نیست و مواردی همچون پخت‌وپز، تمیز کردن، شستن و تعمیرات و نگهداری خانه، انجام خرید و همچنین فعالیت‌های اضافی در مناطق روستایی و مناطق کمتر توسعه‌یافته مانند جمع‌آوری آب و هیزم یا فرآوری مواد غذایی را دربرمی‌گیرد (UN Women, 2017: 8).

۲-۳- مشاغل مراقبتی درآمدزا^۲: این مشاغل اشکال مستقیم یا غیرمستقیم مراقبت و نگهداری همچون کار پرستاران، کارگران خانگی و پرستار کودکان و سالمندان، آشپز یا کارگران نظافتی را دربرمی‌گیرد. شاغلین مراقبتی وظایف خود را در سطوح مختلف عمومی و جامعه و خانه‌های شخصی انجام می‌دهند و بیشترین فعالان آن زنان هستند که درآمدی نیز برای این قبیل امور دریافت می‌کنند (UN Women, 2018: 218-219).

۲-۴- زنان خانه‌دار: در منابع داخلی، زن خانه‌دار شخصی است که از نظر اقتصادی فعال نیست و در خانه به انجام امور منزل اشتغال دارد؛ بنابراین خانه‌دار فردی است که شاغل یا جویای کار

1- Unpaid care work

2- Paid care work

نیست. در یک تعریف مضیق، زنان خانه‌دار، زنان متأهل غیرشاغل‌اند که همسرشان سرپرست آن‌هاست و انجام امور منزل تمام‌وقت آنها را می‌گیرد (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۳۱).

۳- اهمیت و ضرورت ارزش‌گذاری کار خانگی زنان

در جوامع کنونی، با اینکه حضور زنان در مشاغل مختلف افزایش چشمگیری داشته است، همچنان بخش عمده‌ای از مسئولیت‌های خانه بر عهده‌ی آنهاست. بنابر تحقیقات انجام شده، عوامل مختلفی در تقسیم‌کار خانه میان زوجین تأثیرگذار هستند و نوع نگرش و ایدئولوژی زوجین در نحوه‌ی تقسیم‌کار خانگی مؤثر است (دهقانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۹-۲۰۷). آمار افراد شاغل در امور مراقبتی و بدون درآمد در سطح جهان براساس موقعیت جغرافیایی، سن، سطح تحصیلات و آموزش، وضعیت اشتغال و سطح درآمد و همچنین تعداد و سن فرزندان حاضر در خانواده متفاوت اعلام شده است (Charmes, 2019: 72). مشاغل خانگی و فاقد درآمد- مانند خانه‌داری و مراقبت از اعضای خانواده- تا همین اواخر در همه‌ی کشورهای جهان به‌منزله‌ی یک فعالیت اقتصادی شناخته نمی‌شد و در تولید ناخالص ملی^۱ نیز احتساب نمی‌شد. با لحاظ این عدم شناسایی و حجم گسترده‌ی این نوع مشاغل - که زنان آنها را انجام می‌دهند (۷۵ درصد) - اقتصاددان‌های فمینیست و فعالان حقوق زنان بر لزوم و ضرورت شناسایی مشاغل خانگی و بدون درآمد در آمار و اقتصاد و سیاست‌گذاری اهتمام ورزیدند. در نتیجه، در کشورهای توسعه‌یافته در اروپا و استرالیا و آمریکای شمالی زمان صرف شده در امر مراقبت و نگهداری بدون درآمد و مشاغل خانگی در آمارها احتساب می‌شود. در کشورهای در حال توسعه نیز اقداماتی در حال انجام است (UN Women, 2018: 215). در رویه‌ی نهادهای بین‌المللی، فعالیت زنان در مشاغل بدون درآمد نامتناسب است؛ به‌طور متوسط زنان دو ساعت بیش از مردان در این امور اشتغال دارند - البته در کشورها و مناطق مختلف این میزان متفاوت است - که موانع و محدودیت‌های تحمیل شده از سوی فرهنگ، مذهب و فقدان سیاست‌های دوستدار خانواده از جمله دلایل بروز این امر شده است (Alonso & et al, 2019: 7). مسئله اشتغال افراد در مشاغل فاقد درآمد، حتی در کشورهای اروپایی و کشورهای مجری برابری جنسیتی در جهان نیز به‌عنوان چالش جدی مطرح است؛ به گونه‌ای که زنان حداقل بیست درصد بیشتر از مردان کار بدون مزد انجام می‌دهند (Alonso & et al, 2019: 28). از منظر نهاد زنان سازمان ملل متحد، صرف نظر از منطقه، سطح درآمد و فرهنگ، نابرابری جنسیتی در حوزه‌ی مشاغل مراقبتی و خانگی بدون درآمد امری انکارناپذیر است و زنان بیش

1- gross domestic product (GDP)

از مردان در امور خانگی و مراقبتی وقت صرف می‌کنند. البته در کشورهای توسعه‌یافته، این زمان در مورد مردان رو به افزایش اعلام شده است. نکته‌ی مهم آن است که نهاد زنان ملل متحد، در چارچوب اقدامات لازم ذیل هدف پنجم اهداف توسعه پایدار در ارتباط با کار خانگی، بر تساوی و توازن تقسیم امور مراقبتی در زوج‌های هم‌جنس در مقایسه با زوج‌های غیرهمجنس به‌عنوان یک دستاورد مطلوب یاد کرده و در تأیید این امر به درصد مشارکت زوج‌های هم‌جنس در کشور استرالیا استناد کرده است (UN Women, 2018: 219). برخلاف اینکه در متن سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ به همجنس‌گرایان و حمایت از حقوق ایشان اشاره صریحی نشده است، این رویکرد صریح نهادهای بین‌المللی در شناسایی روابط هم‌جنس‌گرایان و ارزش‌گذاری مثبت آثار آن - در چارچوب سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و ذیل موضوع ارزش‌گذاری کار خانگی زنان - بسیار تأمل برانگیز است. اسلام ارائه‌دهنده‌ی جامع‌ترین برنامه‌ی زندگی فردی و اجتماعی انسان است که در قالب احکام و تکالیف حقوقی و اخلاقی در قرآن و سنت تدوین شده است و استخراج آن کار ویژه‌ی فقیه به شمار می‌آید. گرچه فقه سنتی پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای فردی است، در عرصه‌ی اجتماعی هنوز شکل کامل نظام‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مدنظر اسلام مبتنی بر فقه شیعه استخراج نشده است، اگرچه نمی‌توان منکر تلاش‌های مؤثر و دستاوردهای عملی و نظری گردید که به‌صورت تفکیکی در حوزه‌های مختلف به ثمر رسیده است. بدیهی است، تدوین الگوی تأمین اقتصادی زن مسلمان در برای تحقق الگوی خانواده مطلوب اسلامی نقش اساسی دارد. فقه شیعه درباره‌ی نفقه، اجرت‌المثل، مهریه و مانند آن مباحث مختلفی به‌صورت پراکنده و نامنسجم مطرح کرده که همگی در حوزه‌ی تأمین اقتصادی زن مسلمان تفسیر می‌شود، اما جایگاه، روابط و مسیر تحقق این احکام در قالب نظامی منسجم تبیین نشده است. شاید فقدان این خلأ علمی است که سبب شده در عمل، جامعه به‌راحتی با اثرپذیری از اقتضائات فرهنگ شهرنشینی و تمدن غربی از سبک زندگی اسلامی فاصله بگیرد، به‌طوری که اکنون یکی از چالش‌های خانواده و جامعه‌ی ایرانی، افزایش آمار تقاضای زنان خانه‌دار برای اشتغال در بیرون از منزل و در مواردی، فقط برای تأمین اقتصادی خویش و پر کردن خلأ نداشتن تأثیر در جامعه است که در بعد اجتماعی و تربیت فرزندان در خانواده تبعات منفی گسترده‌ای دارد (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۳۰ و ۳۱). با توجه به جریان سازی نهادهای بین‌المللی در زمینه‌ی ارزش‌گذاری کار خانگی زنان و همچنین ضرورت‌های اجتماعی موجود در داخل، اهمیت توجه به این موضوع بیش‌ازپیش محرز است تا مبتنی بر آموزه‌های اسلامی - و نه صرفاً متأثر از جریان سازی نهادهای بین‌المللی بتوان

الگوی مناسبی برای زنان ایرانی طراحی کرد و ضمن تأمین نیازها و ارتقای رضایت‌مندی ایشان در راستای تقویت و تثبیت جایگاه مادری نیز گام مؤثری برداشت.

۴- اقسام کار خانگی زنان و راهکارهای ارزش‌گذاری

در سال ۱۹۹۵، در اعلامیه و برنامه‌ی عمل پکن، بر اهمیت توجه به تقسیم نابرابر مشاغل بدون درآمد و درآمدزا میان زنان و مردان به‌عنوان یکی از گام‌های اساسی و مهم برای تحقق برابری جنسیتی تأکید زیادی شد. علاوه بر این، تعدادی از اسناد و معاهدات حقوق بشری از جمله میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۲ و کنوانسیون حقوق کودک^۳ نیز موجب تعهدات الزام‌آور برای دولت‌های عضو است تا به این موضوع بپردازند. در چند دهه‌ی اخیر، محققین و فعالان حوزه‌ی زنان به موضوع مشارکت اقتصادی زنان فعال در مشاغل خانگی و بدون درآمد توجه فراوانی کرده‌اند. سازمان بین‌المللی کار نیز در این باره اقداماتی انجام داده و برای دولت‌ها توصیه‌هایی تنظیم کرده است (Efroymson, 2010: 8). به این ترتیب، چارچوب حقوق بین‌الملل بشر با اسنادی از سازمان بین‌المللی کار نیز تکمیل شده است که عبارت‌اند از: مقاله‌ی نامه شماره ۱۵۶ در مورد کارگران با مسئولیت خانوادگی^۴، مقاله‌ی نامه شماره ۱۸۳ در مورد حمایت‌های ناظر به فرزند آوری^۵، مقاله‌ی نامه شماره ۱۸۹ در مورد اشتغال شایسته برای کارگران خانگی^۶. این تعهدات حقوق بشری، اکنون به‌صورت موسع در الگوی توسعه پایدار ۲۰۳۰ به‌خصوص بند ۴ هدف ۵ مقرر شده است که ناظر بر تمهید راهبردهایی برای شناسایی و ارزش‌گذاری مشاغل خانگی و مراقبتی است. در اسناد بین‌المللی مذکور، قصور و بی‌توجهی دولت‌ها در ایفای این تعهد و تخصیص ندادن بودجه موجب تشدید نابرابری‌ها و تهدیدی برای برخورداری زنان از حقوق شمرده شده است. سرمایه‌گذاری عمومی درزمینه‌ی تمهید زیرساخت‌های لازم و مشاغل خانگی و مراقبتی نه تنها موجب آزاد شدن وقت زنان و بهبود وضعیت اشتغال ایشان می‌شود، ظرفیت‌های مطلوب برای مراقبت‌شوندگان را نیز افزایش می‌دهد و از طریق گسترش مراقبت اجتماعی هم برای زنان و هم برای مردان فرصت شغلی ایجاد خواهد کرد (UN Women, 2018: 215). بدیهی است راهکارهای پیشنهادی در رویه و اسناد بین‌المللی،

1- the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

2- the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

3- the Convention on the Rights of the Child

4-ILO Convention No. 156 on workers with family responsibilities

5- ILO Convention No. 183 on maternity protection

6- ILO Convention No. 189 concerning decent work for domestic workers

مبتنی بر اصل برابری جنسیتی و رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است که نتیجه آن، حصول کلیه حقوق برای زنان و مردان در عرصه فردی و اجتماعی است و البته بر حق اشتغال و کسب درآمد، تأکید ویژه شده است. به عبارت دیگر، الگوی مطلوب ارزش‌گذاری کار خانگی زنان در این رهیافت، مستلزم نادیده گرفتن نقش‌های خانوادگی همچون مادری و همسری و ایجاد زمینه برای اشتغال درآمدزا در اجتماع است. نکته‌ی تأمل برانگیز آن است که راهکارهایی که نهادهای بین‌المللی تحت تأثیر آموزه‌های فمینیستی در خصوص ارزش‌گذاری کار خانگی مطرح می‌کنند، برای زنان در همه‌ی جوامع کارآمد نخواهد بود، زیرا مطابق برخی تحقیقات انجام شده، زنان در بسیاری از جوامع از جمله ایران، برخلاف طرح مطالبات مادی و معنوی، همچنان به اشتغال به خانه‌داری و امور مراقبتی تمایل دارند. در کشور ما به‌عنوان یک کشور اسلامی، قشر عظیم زنان خانه‌دار بدون هیچ تعطیلی و مرخصی در بیشتر ساعات شبانه‌روز مشغول خدمت‌رسانی به اعضای خانواده هستند؛ خدمات گوناگونی از نظافت، شست‌وشو، تهیه‌ی غذا و چیدمان دکوراسیون منزل گرفته تا مدیریت اقتصادی خانواده، هدایت روابط داخلی اعضای خانواده، هدایت روابط خانواده با اقوام و دوستان، رسیدگی به وضعیت تحصیلی فرزندان و رسیدگی به وضعیت سلامتی اعضای خانواده (بدری‌منش و صادقی‌فسایی، ۱۳۹۴: ۸۲).

۱۵۰

در اندیشه‌ی اسلامی ضمن ارج نهادن به ارزش معنوی کار خانگی و تشویق همسران به فداکاری و همیاری در محدوده‌ی نقش‌های خانوادگی از محاسبه‌ی مالی کار زن در خانه نیز سخن به میان آمده است (علاسوند و نیکوخصال، ۱۳۹۶: ۸). که در ادامه به تفصیل به الگوی طراحی شده برای ارزش‌گذاری کار خانگی زنان در خانواده خواهیم پرداخت.

بنا بر توصیه نهادهای بین‌المللی با توسعه و تقویت موتورهای آزادسازی و بازاریابی اقتصاد، بار کار بدون حقوق بر دوش زنان کاهش می‌یابد و میزان مشارکت زنان در نیروی کار افزایش خواهد یافت. نهادها و ارزش‌های اجتماعی نیز برای کاهش و توزیع مجدد کار بدون حقوق سهم مهمی دارند. دولت‌ها می‌توانند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و خدمات عمومی مانند آب، برق و امنیت در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌ی ارتباطات دیجیتال در همه‌جا به کاهش کار بدون مزد کمک کنند. مراقبت و نگهداری از کودکان و مراقبت از سالمندان به‌عنوان کار درآمدزا می‌تواند جایگزین کار بدون مزد شود. توزیع مجدد کار بدون حقوق نیز نیازمند سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی زن است. آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، تثبیت حقوق زنان در قانون، اجرای سیاست‌های دوستدار خانواده^۱

۱. منظور از سیاست‌های دوستدار خانواده «Family-Friendly Policies»، سیاست‌هایی است که به بهبود و ایجاد تعادل میان اشتغال و زندگی خانوادگی کمک می‌کند و نوعاً متضمن سه قسم منابع ضروری و حیاتی برای والدین در جهت مراقبت

مانند مرخصی والدین^۱، افزایش بهره‌وری بازارهای کار و ارتقاء ترتیبات کاری انعطاف‌پذیر^۲ از جمله اقدامات مؤثر شمرده شده‌اند (Alonso & et al, 2019: 28). به این ترتیب، در رویه بین‌المللی مشهود است که راهکار ارزش گذاری کار خانگی زنان در قلمروی عمومی و بازار کار و نه در حیطه روابط و اعضای خانواده جستجو می‌شود و در چشم‌انداز مطلوب، زنان نیز همچون مردان از شغل درآمدزا و تمام‌وقت برخوردار خواهند بود.

۴-۱- انجام امور خانه و خانه‌داری

رویکرد اسلام به مقوله ارزش گذاری کار خانگی زنان، برخلاف رویه بین‌المللی در وهله نخست متمرکز بر نهاد خانواده و در چارچوب نقش‌ها و حقوق و تکالیف خانوادگی است. در فقه شیعه سه مبحث مجزا ولی مرتبط نفقه، اجرت‌المثل و مهریه در خصوص حقوق مالی زن وجود دارد که می‌تواند به عنوان ابزارهای تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار بررسی شود. در اصل وجوب نفقه، بین فقهای اسلامی اختلافی دیده نمی‌شود و آنچه مورد اختلاف است، مصادیق نفقه و ملاک نوع و میزان آن است. با وجود این نفقه یک ابزار تأمین اقتصادی ویژه‌ی زنان خانه‌دار نیست؛ چراکه اساساً به تمامی زنان متأهل تعلق می‌گیرد. همچنین زن فقیر باشد یا غنی باز هم مستحق نفقه است. از سوی دیگر حدود پوشش اقتصادی نفقه به وضعیت زن بستگی دارد (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۳۴). مهریه در نظام اسلامی نشان‌دهنده‌ی مهر و ابزاری برای ابراز محبت مرد به زن است و زیاد بودن آن در اسلام پسندیده نیست و موجب آسیب‌هایی برای جامعه و خانواده می‌شود؛ از جمله کاهش آمار ازدواج، ایجاد خصومت و بداخلاقی، تحت‌الشعاع قرار گرفتن ارزش‌های دینی، افزایش ازدواج و به تبع آن افزایش انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، تزییع شخصیت دختران با چانه‌زنی بر سر مهریه، اذیت و آزار زنان تا حد راضی شدن به بخشش مهریه و بی‌توجه دختران به دیگر ملاک‌های ازدواج که پیامدهایی چون عدم تطابق فکری و فرهنگی با همسر و در نتیجه افزایش

از کودک در بدو تولد است که عبارتند از: زمان، تأمین مالی و خدمات. رک:

Unicef, Family-Friendly Policies A Policy Brief Redesigning the Workplace of the Future, 2019

۱. منظور از مرخصی والدین مدت زمانی است که والدین در زمان ولادت فرزند و به دلیل مراقبت از وی، از نظر قانونی مجاز هستند که از اشتغال معاف باشند.

۲. منظور از انعطاف‌پذیری منظور از ترتیبات کاری انعطاف‌پذیر «flexible work arrangements»، گونه‌ای از ساختارهای کاری و شغلی است که زمان و یا مکانی را که کار به طور منظم انجام می‌شود، تغییر می‌دهد و مشتمل بر موارد ذیل است: (۱) انعطاف‌پذیری در جدول ساعات کاری مانند برنامه‌های کاری جایگزین (به عنوان مثال، زمان انعطاف‌پذیر و هفته‌های کاری فشرده)، و ترتیبات مربوط به برنامه‌های شیفت و استراحت؛ (۲) انعطاف‌پذیری در میزان ساعات کار، مانند کار نیمه‌وقت یا پاره‌وقت؛ (۳) انعطاف‌پذیری در محل کار، مانند کار در خانه. رک:

Georgetown University Law Center, Flexible Work Arrangements: A Definition And Examples, 2009, p. 1.

ازدواج‌های ناموفق را به دنبال دارد (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۶). بررسی و تحلیل مهریه نشان می‌دهد، مهریه باهدف تأمین اقتصادی زنان تشریح نشده است، هرچند منع شرعی برای استفاده از آن برای تأمین اقتصادی وجود ندارد. مهریه به دلیل مالیت داشتن، می‌تواند کارکرد تأمین اقتصادی داشته باشد. بدیهی است، زن می‌تواند از مهر برای تأمین اقتصادی خود استفاده کند، اما کاربرد و کارکرد ماهیتی دو مقوله‌ی جداست. فلسفه‌ی وضع مهر، جنبه‌ی ارزشی آن است و بنابراین با مادی تلقی کردن کارکرد مهر، درواقع آن هدفی که مهر برای آن وضع شده، از بین می‌رود (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۴۰).

اجرت‌المثل از ابواب فقهی مرتبط با موضوع تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار است که برخلاف نفقه ابزاری برای تأمین اقتصادی خاص فعالیت خانه‌داری است. یعنی در شرایطی که نفقه به تمام زنان متأهل تعلق می‌گیرد، اجرت‌المثل تنها به خدمات خانه‌داری زن اختصاص دارد. اجرت‌المثل مابه‌ازای اقتصادی خدمات خانه‌داری است که جزء وظایف او به شمار نمی‌آید. حدود پوشش تأمین نیازهای اقتصادی در اجرت‌المثل، متغیر و متناسب با ارزش خدمات خانه‌داری زن است. بنابراین برخلاف نفقه، حد مشخصی ندارد و هرقدر فعالیت بیشتر باشد، مابه‌ازای آن بیشتر است و متناسب با توان و استعداد زن افزایش می‌یابد (همان، ۴۳).

ارزش‌گذاری مادی و معنوی کار و فعالیت زنان در خانواده ازجمله مراقبت و نگهداری از فرزندان و نیز انجام امور خانوادگی در آموزه‌های اسلامی مسئله مهمی است که راهکارهای حقوقی و غیرحقوقی برای آن تمهید شده است. در فقه امامیه، بحث استحقاق زوجه نسبت به اجرت‌المثل در باب مستقل مطرح نشده است. فقها در مصادیق معدودی در این باره به بحث و مذاقه پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن اجرت در خصوص رضاع و حضانت است؛ لیکن در این مورد در باب نفقه گفت‌وگو شده است (بمرلی، ۱۳۹۸: ۴۰۲). همچنین به عقیده‌ی برخی فقها، فقدان بابت خاص در فقه درباره اجرت‌المثل و لزوم پیگیری آن در سایر ابواب فقهی مانند جعاله و اجاره تحقیق در این باب را دشوار می‌کند (علاسوند و نیکوخال، ۱۳۹۶: ۸). در علم فقه، اجرت‌المثل در مقابل «اجرت‌المسمی» قرار دارد، یعنی اگر مقدار اجرت در عقد به‌صراحت مشخص شده باشد یا توافق طرفین عقد بر آن توافق کرده باشد، اجرت‌المسمی نامیده می‌شود، اما اگر مقدار اجرت مشخص نشده باشد، به آنچه در مقابل باید پرداخت شود، اجرت‌المثل گفته می‌شود و مقدار آن با توجه به ملاک‌هایی مانند نوع کار انجام‌شده، وضعیت عامل و مدت انتفاع از منافع مشخص می‌شود (همان). درباره‌ی مبنای فقهی اجرت‌المثل ایام زوجیت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اول - قاعده احترام: مقصود از احترام مال مسلم، مصونیت آن از تصرف مجانی و تعدی بر آن است؛ بدین معنا که مال مسلمان محترم است و تعدی و تجاوز بر آن جایز نیست و اجرت آن باید پرداخت شود. در کتب مختلف فقه نیز آمده است که هر کس به دستور دیگری عملی را انجام دهد که اجرت دارد و عامل قصد تبرع نداشته باشد، به اقتضای احترام عمل مسلم باید اجرت کار او را پرداخت کرد (پورعبدالله و سرخ حساری، ۱۳۹۴: ۷۲).

بنابراین، اگر شخصی به امر دیگری کاری انجام دهد، چنانچه این کار عرفاً ارزش اقتصادی داشته و بدون قصد تبرع انجام یافته باشد، امر به اندازه‌ی اجرت‌المثل ضامن است. مستند ضامن، قاعده‌ی احترام است؛ بدین توضیح که هر چند انسان آزاده خودش مال نیست، ولی کار او مال محسوب است و مقتضای احترام مال، مسئولیت و ضمان است. البته بعضی فقها در مورد عمل مسلمان، قاعده‌ی مستقلی با عنوان «عمل المسلم محترم ما لم يقصد التبرع» تنظیم کرده‌اند، ولی ناگفته پیداست که ارزش دار بودن عمل مسلمان از فروع قاعده‌ی احترام است (بمرلی، ۱۳۹۸: ۴۰۳).

دوم - بنای عقلا: برخی از فقها برای اثبات مسئله اجرت‌المثل به بنا و سیره‌ی عقلا تمسک جستند. این سیره بی‌تردید در موارد امر به فعل دلالت بر ضمان دارد، همان‌طور که به‌طور گسترده در مثال کارگران، آرایشگرها و مانند آنها از صاحبان حرفه و پیشه مشاهده می‌شود؛ نتیجه اینکه مشهور، در موارد امر به عملی قائل به ثبوت ضمان هستند و همین قول هم صحیح است، تا زمانی که قرینه‌ای بر مجانی بودن وجود نداشته و عامل قصد تبرع نکرده باشد (همان).

سوم - عموم و اطلاق آیه ۶ سوره‌ی مبارکه طلاق: خداوند متعال در آیه ۶ سوره‌ی مبارکه طلاق می‌فرماید:

«أَسْكُنوهنَّ من حيث سکنتهنَّ من وجدکم و لاتضاروهنَّ لتضيقوا علیهنَّ و إن کنَّ أولت حمل فأنفقوا علیهنَّ حتی یضعن حملهنَّ فإن أرضعن لكم فأتوهنَّ أجورهنَّ و أتروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتهم فسترضع له و أخری».

می‌توان با دو تبیین از اطلاق و عموم این آیه نسبت به موارد دیگر غیر از ارضاع نیز استفاده کرد؛ اول اینکه می‌توان از ارضاع، الغای خصوصیت کرد، زیرا اجرت ارضاع به حسب ملازمات عرفیه از ویژگی‌های مؤثر در حکم نبوده و در نتیجه می‌توان حکم وجوب پرداخت اجرت‌المثل را به موارد و موضوعات دیگری که در مورد آن نص وجود ندارد، تسری داد. به دیگر سخن، اجرت ارضاع بر حسب فهم عرف با اجرت اعمال دیگر تفاوتی ندارد و احتمال فرق بین ارضاع و امور دیگر

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: سید ابوالقاسم خوئی، مستند عروه الوثقی، ۱، ۳۹۱ به نقل از م محمدی، (۱۳۸۰) حقوق و تکالیف زن از دیدگاه اسلام (استقلال مالی، اطاعت از شوهر). رواق اندیشه، سال سوم، شماره ۱، ص ۵.

نزد عرف اعتنا کردنی نیست. ثانیاً مورد آیه، مخصص عمومیت حکم آن نیست؛ یعنی آیه به بحث ارضاع اختصاص ندارد، زیرا جمله‌ی «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»؛ یعنی تعامل پسندیده در نیکی و کارهای شایسته داشته باشید. که بعد از جمله‌ی محل بحث ذکر شده، نشان می‌دهد، پرداخت اجرت مرضعه مصداقی از معروف است و از این حیث که معروف است، مورد امر خدای سبحان قرار گرفته و خودش خصوصیتی ندارد (همان: ۴۰۳ و ۴۰۴).

بنابراین، مستندات فقهی حق دستمزد کار خانگی زنان عبارت است از: قاعده‌ی احترام مال مسلم و قواعد لاضرر، عدالت و تسلیط و همچنین برخی روایات و آیات قرآنی (کاطمی، ۱۳۹۱: ۸۰-۷۷). به این ترتیب چون زن به امید شراکت در اموال مرد و ادامه‌ی زندگی کار خانگی را انجام می‌دهد. سکوت او علامت قصد تبرع نیست و چون توقع مرد از زن برای انجام کار خانگی، بهترین اماره بر امر بودن مرد است، در صورت درخواست اجرت از طرف زن، امتناع مرد از پرداخت آن، ظلم و ضررزدن به زن محسوب شده که با پرداخت اجرت‌المثل از طرف مرد باید جبران به مثل شود (علاسوند و نیکوخال، ۱۳۹۶: ۲۳).

به نظر برخی از نویسندگان قانون‌گذار نباید زنان را در حد فرد مزدبگیر و اجیر پایین بیاورد و باید عنوان مناسب‌تری برای جبران ضرر برای همسران و مادران - که اسوه‌ی مهربانی و وفاداری‌اند، برگزیند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۹۱ و ۲۹۲). این موضوع در نظر اول صحیح است و نباید زنان را به چنین ادعاهایی تشویق کرد؛ چراکه شاید چنین موضوعاتی به علت ضعف اقتصادی زوج یا ورود اعضای خانواده به دادگاه، آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری به خانواده وارد کند، اما این موضوع نباید موجب شود که پشتوانه‌ی اقتصادی زوجه و مابه‌ازای خدمات مستمر وی در خانواده نادیده گرفته شود و عنوانی که ذیل آن حقوق زن مطالبه می‌شود، باید براساس مبانی و اصول فقهی و حقوقی باشد. به علاوه اجرت‌المثل حقی است که وجود دارد و مبانی و شیوه‌ی محاسبه‌ی آن نیز مشخص است و نمی‌توان با چنین دلایلی از آن چشم‌پوشی کرد (مرادی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۱۳). ثبوت اجرت‌المثل برای شخصی که کاری را به نفع دیگری انجام داده است، بی‌آنکه قراردادی بین آن‌ها موجود باشد، مستلزم بررسی موارد سه‌گانه ذیل است:

اول، وجود امر از طرف آمر: در مورد کار خانگی اگر ثابت شود که این کارها به دستور زوج انجام شده، زن مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. البته منظور از دستور زوج، اثبات دستور صریح از جانب مرد نیست و همین‌که مرد راضی به انجام آن عمل باشد، این اقدام به لحاظ قانونی^۱ و شرعی^۲

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: ناصر کاتوزیان (۱۳۸۸) وقایع حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشارات ص ۲۰۲

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: علی پناه اشتهاوردی (۱۴۱۷)، ج ۲، دارک العروه، تهران، دارالاسوه للطباعیه و النشر، ص ۲۶۶

در حکم دستور مرد است و زن مستحق اجرت عمل خود خواهد بود. در تبیین این رویکرد آمده است، مردان همواره از زنان توقع انجام کارهای خانگی دارند، به طوری که اگر زنی قبل از ازدواج اعلام کند که پس از ازدواج کارهای خانه را انجام نخواهد داد. شاید هرگز مردی برای ازدواج با او پیش قدم نشود. توقع مرد از همسرش برای انجام کار خانگی خود اماره‌ای بر امر بودن مردان است. دوم، وجود قصد اجرت از طرف عامل: از خلال فتاوی فقها درباره‌ی هر عملی که از طرف شخصی به نفع دیگری انجام می‌شود، عدم قصد تبرع عامل برداشت می‌شود. به همین دلیل درباره‌ی شرط عدم تبرع، کسی که باید مدعی شناخته و عهده‌دار مسئولیت اثبات قصد تبرع زن شود، مرد است. چون نیت، امری درونی است، اثبات چنین امری برای مرد بسیار مشکل است و اگر مرد نتواند ادعای خود را به اثبات برساند، به اصل عدم تبرع مراجعه شده و در صورت فراهم بودن سایر شرایط، زن مستحق اجرت‌المثل شناخته می‌شود.^۱

سوم، اجرت عرفی داشتن عمل انجام‌شده: اگر شخصی برای دیگری عملی را انجام دهد که از دید عرف اجرت ندارد، مانند اعمالی که معمولاً به قصد احسان یا رعایت نزاکت انجام می‌شود؛ هر چند که برای اطاعت امر دیگری انجام‌شده باشد، از نظر قانون فاقد اجرت خواهد بود و همچنین اعمالی که از دید عرف اجرت دارد، اگر به قصد احسان انجام شود، باز هم اجرت نخواهد داشت. شاید در نگاه اول به نظر برسد، مطابق عرف، کار خانگی زن اجرت ندارد و علت انجام دادن آن فداکاری و از خودگذشتگی زن است، اما اگر این گونه نبود اولاً، عرف امتیازاتی همانند شراکت در اموال مرد را برای زن قائل نبود؛ اگر قرار باشد این امتیازات از زن گرفته شود، به یقین انجام کار خانگی از طرف زن را تبرعی نخواهد دانست. ثانیاً، اگر عرف کار خانگی زن را تبرعی می‌داند، به این علت است که در عرف جامعه‌ی ما کمتر کسی از وظیفه‌ی شرعی نبودن کار خانگی زن اطلاع دارد،

۱. موبد این نظر، فتوای دو نفر از مراجع تقلید در پاسخ به این پرسش است: «الف: در زندگی مشترک، آیا اصل در ارائه خدمات تبرعی و مجانی بودن است یا اصل عدم تبرع؟ ... ج: راه اثبات اینکه خدمات زن در زندگی مشترک زناشویی تبرعی است یا عدم تبرع چیست؟» در پاسخ به این سوال از قیودی استفاده کرده‌اند که دلالت بر اصل بودن عدم تبرع می‌کند. پاسخ اول از آیت الله علی سیستانی است: «الف: بستگی به قصد عمل کننده دارد که قصد تبرع نکرده باشد، با فرض اینکه مرد امر کرده باشد و متعارف این نباشد که زن مجانی کار کند ... ج: اگر (عمل کننده) ادعا کند که قصد تبرع نداشته، پذیرفته می‌شود.» در این پاسخ، علاوه بر این که قید «قصد تبرع نکرده باشد»، دلالت بر اصل بودن عدم تبرع دارد، پذیرفته شدن ادعای قصد تبرع زن بدون نیاز به بینه هم، این مطلب را به اثبات می‌رساند. پاسخ دوم از آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی است: «موارد مختلف است. به طور کلی هر کاری که زوجه به دستور زوج و درخواست وی انجام دهد، قرینه و شاهدی بر مجانی بودن و تبرع در میان نباشد، زوجه می‌تواند در مقابل آن اجرت طلب کند.» سند وجود قید «قرینه و شاهدی بر مجانی بودن و تبرع در میان نباشد» نشان می‌دهد اثبات قصد تبرع، نیازمند اقامه بینه نیست و همان طور که قبلاً بیان شد، آنچه اثبات آن نیازمند اقامه بینه نباشد، موافق اصل است. از این رو، پاسخ ایشان دلالت بر اصل بودن عدم تبرع دارد. برای مطالعه بیشتر، رک: فریبا علاسوند و معصومه نیکوخصال، «توسعه مستندات شرعی جرت‌المثل کار خانگی»، دوفصلنامه مطالعات زنان و خانواده، ۱۳۹۶، (سال چهارم، شماره هفتم).

یعنی اگر همه‌ی افراد جامعه بر وظیفه‌ی شرعی نبودن کار خانگی اطلاع یابند، به یقین نظر عرف درباره‌ی تبرعی بودن کار زن عوض خواهد شد. از این رو باید گفت، عرف به اشتباه انجام این امور را بر زن واجب می‌داند و به دلیل آنکه اگر فرد دیگری غیر از زن این کارها را برای دیگری انجام دهد، از نظر عرف این عمل او اجرت دارد؛ پس کار خانگی زن نیز اجرت عرفی دارد (علاسوند و نیکوخصال، ۱۳۹۶: ۱۳-۹).

به این ترتیب در دوران معاصر، مطابق عرف و فرهنگ جامعه، زن در داخل خانه، طبخ غذا، مهمان‌داری، شست‌وشوی لباس، نظافت و... را بر عهده دارد. شکی نیست انجام این کارها جزئی از تعهدات (هر چند اخلاقی) زن به شوهر و خانواده محسوب می‌شود. در احادیث مختلف هم از ارزش بالای کارهای زن در خانواده سخن به میان آمده است، ولی از جنبه‌ی فقهی - حقوقی خدمت زن به شوهرش در زمینه‌ی لباس، پخت نان و طبخ غذا و مانند آن شرعاً واجب نیست و انجام امور منزل از حقوق زوج بر زوجه نیست. هر چند اگر این کار را تبرعی انجام دهد، کار نیکویی است. اینکه چرا انجام امور داخلی منزل از امور مستحب است می‌توان گفت، انجام امور داخلی منزل در فقه جزء تکالیف واجب زن به شمار نیامده است، هر چند از نظر عرف به انجام دادن این امور موظف است (پورعبدالله و سرخ‌حصاری، ۱۳۹۴: ۷۴). با توجه به مبانی و شرایط اجرت‌المثل در فقه شیعه، زن برای انجام کار خانگی شرعاً مستحق اجرت‌المثل است.

در باب استحقاق زنان بر اجرت‌المثل رویه‌ی قضایی برخی کشورها در سال‌های اخیر تحولات تأمل برانگیزی رخ داده است، به این ترتیب که جبران خسارات وارد بر زنان خانه‌دار از جمله آسیب جسمی یا از دست دادن توانایی بدنی به دلیل انجام کار خانگی را منتسب به شوهر و وی را به جبران خسارات وارد شده به زن ملزم کرده‌اند. البته معمولاً این نحوه‌ی جبران خسارت جنبه‌ی حداقلی داشته است و مستلزم روشن‌نگری عمومی برای آگاهی‌بخشی به ارزش کار خانگی زنان در سطح اجتماع است^۱ (Brooks, 2005: 183).

۱. به طور نمونه می‌توان به رویه برخی دادگاه‌ها در کشور کانادا اشاره داشت. البته صدور حکم به نفع زنان در این رابطه منوط به احراز ملاک‌های ویژه‌ای شده است، از جمله: محاسبه ارزش کار و درآمد بالقوه‌ای که زن در صورت اشتغال خارج از خانه کسب نموده بود، و همچنین هزینه‌هایی که در صورت انجام کارهای خانه توسط شخص ثالث، باید به وی پرداخت می‌شد. نکته مهم این که این رهیافت حتی در کشور کانادا هم توسط برخی محاکم مورد پذیرش قرار نگرفته است و این که هنجارها و عوامل اجتماعی و فرهنگی در چگونگی اجرای آن در جوامع مختلف قابل تأمل می‌باشد.

با وجود این، برخی بر این باورند که در الگوی مطلوب ارزش‌گذاری امور خانگی در اسلام، اجرت‌المثل از نظر اجرایی توصیه نشده است (در دعای طلاق، به دلیل از بین رفتن بنیان خانواده کاربرد دارد)؛ و در مقابل، تعهد اخلاقی مرد به جبران اقتصادی ایثار زن خانه‌دار جایگزین آن شده است، زیرا اگر مرد بر اساس تعهدهای اخلاقی خود، نیازهای مالی زن را برآورده نسازد، روابط زن و شوهر از حالت معاشرت به معروف خارج و به فضای تجاری بدل می‌شود که هر کدام صرفاً به دنبال حق مادی خود است. این، در حالی است که در اسلام، شکل‌گیری روابط زن و شوهر در خانواده بر پایه معاشرت به معروف، محبت و اخلاق ایجاب می‌کند، موضوع تأمین اقتصادی نیز در عمل به جای مسیر حقوقی، در مسیر تعهدات اخلاقی حرکت کند. در نتیجه مرد باید تأمین اقتصادی زن را بر عهده گیرد. در نظام سنتی جامعه، مرد امور اقتصادی منزل و مدیریت درآمد خود را در اختیار زن خانه‌دار قرار می‌دهد و بسیار فراتر از حدود واجب همسر خویش را تأمین می‌کند. بدیهی است، ضمانت اجرای تعهد اخلاقی مرد در قبال زن، اجرای حق قانونی و شرعی زن به گرفتن اجرت‌المثل است. به عبارت دیگر، اگر مرد بر اساس تعهد اخلاقی خود، نیازهای مالی زن را برآورده نکند، روابط زن و شوهر از حالت معاشرت به معروف خارج و به فضای تجاری بدل می‌شود که هر کدام تنها به دنبال حق مادی خود است؛ مرد خواستار کار زن و زن خواهان اجرت است. در نتیجه، زن برای رفع نیازهای اقتصادی شخصی و فراتر از عرف، در پی بهره‌مندی از حق شرعی و قانونی اجرت‌المثل خانه‌داری خود استفاده خواهد کرد و در این صورت، همان نظام فقهی-حقوقی محض پیاده می‌شود (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۴۷-۴۵).

۴-۲- نگهداری و مراقبت از کودکان

رویکرد کلی سند توسعه پایدار در خصوص شناسایی و ارزش‌گذاری کار خانگی و بدون درآمد زنان، تلاش برای جایگزین کردن آن با اشتغال تمام‌وقت و واگذاری این قبیل امور از جمله نگهداری و تربیت کودکان به مؤسسات عمومی است. در راهبرد پیشنهادی برای ارزش‌گذاری کار خانگی زنان از منظر نهاد زنان ملل متحد در اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ عدم تمرکز روی خانواده و اعضای آن و به‌طور صریح واگذاری مراقبت از کودکان به بخش عمومی یا خصوصی پیشنهاد می‌گردد، راهکاری که با تأکید افراطی بر حق آموزش کودک، موجب نادیده گرفتن سایر حقوق وی از جمله رشد و تربیت در محیط گرم و صمیمی خانواده می‌شود و متضمن تأمین مصالح عالیه کودک نمی‌باشد، هر چند ظاهراً زمینه را برای اشتغال و کسب درآمد زنان فراهم می‌کند. از منظر نهادهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاری روی تمهید آموزش و مراقبت در دسترس، باکیفیت

و مقرون به صرفه در دوران خردسالی^۱ آثاری همچون کاهش وقت زنان برای انجام امور مراقبتی بدون درآمد به دلیل واگذاری این امر به نهادهای خارج از خانواده، توانمندسازی زنان برای دسترسی بیشتر آن‌ها به اشتغال، ایجاد مشاغل مناسب با مزد کافی، و شرایط کار و فرصت‌های آموزش در بخش خدمات اجتماعی، بهبود وضعیت سلامت و تغذیه‌ی کودکان و تقویت آمادگی قبل از مدرسه به خصوص در میان اقشار محروم جامعه را به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری روی خدمات آموزش و مراقبت در دسترس، باکیفیت و مقرون به صرفه در دوران خردسالی با هدف دسترسی همه‌ی کودکان و خانواده‌ها به آن به خصوص اقشار کم‌درآمد و محروم، در پاسخ به نیاز والدین شاغل چه در بخش رسمی و چه در بخش غیررسمی به عنوان یک اولویت شمرده شده است که در نتیجه‌ی آن برای گروهی از افراد در بخش خدمات و در امر آموزش و نگهداری کودکان اشتغال‌زایی خواهد شد. در کشورهای در حال توسعه، پوشش آموزش و مراقبت در دسترس، باکیفیت و مقرون به صرفه در دوران خردسالی ضعیف و نابرابر توصیف شده است و آمار موجود درباره‌ی آموزش قبل از دبستان - که در بیشتر کشورها قبل از ۳ سالگی آغاز می‌شود - این واقعیت را اثبات می‌کند؛ بنابر آمار سال ۲۰۱۴، در کشورهای توسعه یافته حدود ۸۷ درصد کودکان و در کشورهای در حال توسعه فقط ۳۹ درصد کودکان به آموزش‌های قبل از دبستان دسترسی دارند. نابرابری در دسترسی به این آموزش، ارتباط تنگاتنگی با میزان درآمد خانوار دارد، زیرا در کشورهای در حال توسعه، کودکان در خانواده‌های ثروتمند ۶ برابر بیشتر به این آموزش دسترسی دارند (UNESCO, 2016: 12). سرمایه‌گذاری عمومی برای دسترسی جهانی به آموزش و مراقبت خردسالی و قبل از دبستان به عنوان یک اولویت مهم مورد توجه نهاد زنان ملل متحد است. این نهاد تاکید دارد هزینه‌ی بالای این آموزش آثار نامطلوبی در زنان و کودکان خواهد داشت؛ چراکه در عمل موجب انصراف خانواده از سپردن کودک به این مؤسسات می‌شود و نگهداری کودک بر عهده‌ی یکی از والدین به خصوص مادر خواهد بود که در نهایت موجب انصراف وی به ویژه بعد از ولادت فرزند دوم از اشتغال و بازار کار می‌شود. بنابراین، آنچه مورد توصیه نهادهای بین المللی است، به واقع ارزش‌گذاری کار خانگی نیست بلکه، حذف کار خانگی از جمله مراقبت و نگهداری از کودکان توسط زنان و واگذاری آن به بخش عمومی و زمینه‌سازی برای اشتغال زنان در مشاغل درآمدزا به صورت تمام‌وقت است. که هم از جهت نادیده گرفتن برخی از مصادیق حقوق کودک

1. Accessible, affordable and quality early childhood education and care (ECEC)

و هم از جهت بی‌توجهی به تمایل و علاقه زنان به اهتمام در امور خانه‌داری و مراقبت از فرزند، محل مناقشه و چالش است.

در برخی کشورها، آموزش قبل از دبستان کودکان به صورت پاره‌وقت و کوتاه‌مدت، طی روز و با تعطیلات زیاد انجام می‌شود. بنا بر تصریح نهادهای بین‌المللی، این مدل آموزش مشکلاتی را برای والدین شاغل ایجاد کرده و فرصت‌ها و گزینه‌های شغلی زنان را محدود می‌کند. الگوی آموزشی مطلوب از منظر نهاد زنان ملل متحد، آموزش و نگهداری تمام‌وقت کودکان و با ترتیبات گسترده است؛ (UN Women, 2018: 231-235). بنابراین ذیل حمایت از حقوق زنان در مشاغل خانگی و مراقبتی، به‌طور ضمنی تسهیل و ترغیب سپردن کودکان از سنین خردسالی (قبل از سه سالگی) به مؤسسات عمومی تأکید شده است و این امر عاملی در بهبود رشد کودکان و افزایش آمادگی آنها قبل از دبستان تلقی می‌شود که البته اثبات آن از منظر تخصصی تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به شدت محل تردید است (CRC, 2006: para. 15). از دیگر توصیه‌های مرتبط، تمهید سیاست‌های مرخصی برای حقوق زنان شاغل و برابری جنسیتی است. مرخصی خانوادگی با حقوق به شاغلین امکان می‌دهد که بدون ترک اشتغال و با تأمین دستمزد در امر مراقبت و نگهداری کودک مبادرت کنند. مرخصی با حقوق به مادر این امکان را می‌دهد که در اولین هفته‌های تولد نوزاد در کنار او باشد و از او نگهداری کند. به یقین پیش‌بینی این مرخصی هم برای مادران و هم برای پدران تأثیرگذاری مطلوب‌تری خواهد داشت. در قوانین برخی کشورها مرخصی مشابهی برای بیماری همسر یا والدین نیز مقرر شده است (UN Women, 2018: 240-241). قوانین و مقررات داخلی را می‌توان از این منظر بازنگری کرد و به نظر می‌رسد پذیرش مفهوم مرخصی خانوادگی در قوانین استخدامی گام مؤثری برای ترغیب زوجین شاغل به فرزندآوری و مشارکت مؤثر والدین در امر مراقبت و نگهداری از فرزند خواهد بود. چنانچه در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز مرخصی زایمان برای مادران به نحو مقتضی اجرا می‌شود و تمهیدی لازم و ضروری برای مادران شاغل است، اما به واقع ارزش‌گذاری کار خانگی زنان تلقی نمی‌گردد. در واقع، خلأ و نقص رویکرد نهادهای بین‌المللی به مقوله ارزش‌گذاری کار خانگی زنان، مشهود و این نکته محرز است که با کاربرد کلیدواژه «ارزش‌گذاری کار خانگی» درصدد حذف نقش‌های مراقبتی و خانگی همچون مادری و جایگزین نمودن آن با اشتغال درآمدزا و تمام‌وقت، برآمده‌اند.

البته صحت این رهیافت از منظر رشد و رعایت مصلحت کودک به شدت محل تردید است چرا که مقدمه کنوانسیون بیان می‌کند که: «خانواده به‌عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی

برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان می‌بایستی از حمایت‌ها و مساعدت‌های لازم برخوردار شود.» و کمیته حقوق کودک تصریح دارد: «خانواده» که وظیفه نگهداری، تغذیه و پیشرفت کودک را ایفا می‌نماید، شامل خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده می‌شود که با حقوق کودکان و منافع عالی‌ها هماهنگ است. همچنین در رویه اخیر کمیته حقوق کودک، با توجه به آمار بالای ارتکاب خشونت علیه کودکان در موسسات عمومی، راهکارهای جایگزین برای نگهداری و مراقبت از کودکان مورد توصیه است که از جمله در موارد اشتغال والدین، سپردن کودک به اعضای خانواده گسترده مانند مادر بزرگ و پدر بزرگ و یا دیگر اقوام و خویشان ترجیح داده شده است. به این ترتیب، راهکار ارائه‌شده مبنی بر جایگزین نمودن موسسات عمومی در ایفای امور مراقبتی خانواده خصوصاً کودکان، با تأکید افراطی بر حق آموزش کودک، موجب نادیده گرفتن سایر حقوق وی از جمله رشد و تربیت در محیط گرم و صمیمی خانواده می‌شود و متضمن تأمین مصالح عالی‌ه کودک نمی‌باشد، هر چند ظاهراً زمینه را برای اشتغال و کسب درآمد زنان فراهم می‌کند.

در رویکرد اسلامی، مفهوم مادری، از خانواده تا جامعه گسترش می‌یابد (طائب و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۹). نخستین و بنیادی‌ترین جایگاه هدایت انسان، خانواده است. خانواده، اساس تشکیل یک جامعه متعالی و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در آموزه‌های اسلامی است. تربیت فرزندان از مهم‌ترین آثار تشکیل خانواده و تشکیل خانواده که در آن، افراد با سلامت نفس، کار و تلاش می‌کنند و به بهترین صورت به ستایش پروردگار خویش می‌پردازند، از مهم‌ترین مسائل است که اسلام بدان توجه اساسی داشته است. نقش اساسی در قوام و دوام خانواده را «مادر» ایفا می‌کند. توجه به استعدادها و غرایزی که در زن به ودیعه نهاده شده است، هر انسان عاقلی را بدین نکته رهنمون می‌سازد که خداوند، زن را در مسیر ایفا کردن نقش مادری، از طریق تکوین و تشریح، هدایت فرموده است (خانی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۳۷). نظام خلقت که نظام احسن است زن را به گونه‌ای خلق کرده است که کارکرد پرورش فرزند را داشته باشد. در حقیقت زن را موظف به مادری کرده است و در صورتی که زن این وظیفه را بپذیرد فعالیت او تقدس می‌یابد. تقدس مادری علت دیگری هم دارد. انسان اشرف مخلوقات است و مادر پرورش‌دهنده او است. به دلیل کرامت ذاتی انسان، کار مادر تقدس می‌یابد (افضلی و انتظاری، ۱۳۹۹: ۵). براساس هدایت تکوینی، ویژگی‌های جسمی و ویژگی‌های روانشناختی (مانند علاقه به فرزندآوری و عواطف شدید نسبت به فرزند)، و هدایت تشریحی، قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، زن، عهده‌دار نقش مادری بوده و جایگاه برجسته نقش مذکور و حقوق و

تکالیف وی تبیین شده است. براساس حکمت الهی، وجود غریزهٔ مادری در تطابق کامل با هدف داری جهان و عدل الهی است و آثار ارزشمندی در ایفای صحیح آن وجود خواهد داشت چنانچه حکمت و هدایت الهی در غریزهٔ مادری پذیرفته شود، ایفای صحیح نقش مادری منطبق بر معارف الهی و وجه اهتمام قرار خواهد گرفت تا رضایت الهی را به ارمغان آورد. در راستای رضایت الهی، زن از نقش مادری و عقاید خود احساس رضایت و خشنودی خواهد کرد و موجبات سعادت اخروی وی نیز فراهم خواهد شد (خانی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۵۱). همچنین مادری باعث تکامل شخصیتی زنان است که فضائل اخلاقی را در او رشد میدهد. بخشی از فرآیند تکامل شخصیت مادر در اثر محبت مادری و به صورت فطری ایجاد می‌شود اما قرار گرفتن زن در جایگاه مادری که مربی و پرورش دهنده کودک و جامعه‌ساز است بستری برای ایجاد آگاهانه ویژگی‌های شخصیتی متعالی در زنان است (افضلی و انتظاری، ۱۳۹۹: ۹۹).

نکته بسیار مهم آن که نقش مادری در آموزه‌های اسلامی، صرفاً جنبه فردی ندارد بلکه فعالیتی جامعه‌ساز تعریف می‌شود و مادر زمینه‌ساز تشکیل جامعه‌ای متعالی است. پس به دلیل اینکه میدان اثر مادری کل جامعه است، فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود. بستر ایجاد عاطفه اجتماعی رابطه مادر- فرزند است و مادر کارگزار اصلی در ایجاد عاطفه اجتماعی است. عواطفی که در رابطه مادر و فرزند تبادل می‌شود و احساس وابستگی فرزند به مادر پایه تعهد فرد به جامعه و ایجاد انسجام اجتماعی است. بنابراین عاطفه مادر خصلت اجتماعی دارد و مادر در مقام مهرورزی در جایگاه کنشگری اجتماعی قرار دارد. شکل‌گیری روابط میان افراد در جامعه مطلوب بر اساس محبت است و مادر پایه‌گذار چنین جامعه‌ای است. کارکردهای اجتماعی مادری و اثرگذار بودن فعالیت مادر در تربیت فرزند بر سرنوشت جامعه به زن هویتی ارزشمند می‌دهد. مادر به‌عنوان مربی و در مقام جامعه‌سازی احساس از خودبیگانگی و انفعال نخواهد داشت زیرا کوچک‌ترین فعالیت شخصی او در زمان پرورش کودک فعالیت در راستای رشد اجتماعی فرزند و به تبع آن تعالی جامعه معنا می‌شود (همان: ۱۰۳).

با توجه به اهمیت نقش مادری در اسلام، رشد و تعالی فردی و اجتماعی، منوط به تقویت جایگاه آن است و نقش دولت در جهت تمهید و تصویب قوانین و سیاست‌های تسهیل و ترغیب‌کننده برای ایفای نقش مادری، بسیار حیاتی و تعیین‌کننده خواهد بود و انتظار می‌رود بر خلاف رهیافت توصیه شده توسط نهادهای بین‌المللی مبنی بر تنزل و حذف نقش مادری، رویکرد مستحکمی برای تقویت این نقش خانوادگی مهم با آثار فردی و اجتماعی ایفا نمایند.

۴-۳- نگهداری و مراقبت از سالمندان

علاوه بر مراقبت از کودکان، همچنان در بسیاری از جوامع سالمندان در کنار اعضای خانواده به‌سر می‌برند و بدیهی است که نگهداری و مراقبت از ایشان نیز در اغلب موارد بر عهده زنان قرار دارد و یکی از مصادیق کار خانگی و فاقد درآمد شمرده می‌شود. بنا بر تصریح نهادهای بین‌المللی مراقبت کافی و اطمینان‌بخش از سالمندان - که به‌عنوان مراقبت بلندمدت^۱ نیز مطرح است - در همه‌ی کشورها اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه یک اولویت و ضرورت محسوب می‌شود و لازم است برای حمایت از حقوق زنان بدان توجه ویژه شود تا با انتقال بخشی از مسئولیت‌ها به خارج از خانواده و واگذاری به موسسات مراقبتی، از یک طرف فرصت و وقت آزاد برای اعضای خانواده خصوصاً زنان ایجاد شود و از سوی دیگر در بخش مراقبت اجتماعی از طریق ارتقای حقوق و مزایا و بهبود شرایط درصدد اشتغال‌زایی برای نیروی کار در بخش خدمات اجتماعی است که اغلب متقاضیان نیز زنان می‌باشند. این راهبرد کلی، در شرایطی که زنان مایل به ایفای امور مراقبتی از اعضای سالمند خانواده و نه درصدد داشتن اشتغال درآمدزا بیرون از خانواده خود هستند، مورد انتقاد و غیرناکارآمد است و بدون پاسخ به نیازهای این گروه از زنان، صرفاً پاک نمودن صورت مسئله قلمداد می‌گردد.

از منظر سازمان جهانی بهداشت، «وابستگی به مراقبت»^۲ هنگامی ایجاد می‌شود که توانایی عملی فرد برای انجام وظایف و امور حیاتی زندگی روزانه مانند خوردن، استحمام و دستشویی بدون کمک دیگران کفایت نمی‌کند (WHO, 2015:5-8). با توجه به افزایش آمار این گروه از افراد در کشورهای مختلف جهان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای نگهداری و مراقبت از ایشان ضرورت دارد (UN Women, 2018: 235-239). برخلاف افزایش جمعیت سالمندان، اغلب دولت‌ها در امر ارتقای آگاهی در مورد مراقبت بلندمدت به‌خصوص در کشورهای کم‌درآمد یا با درآمد متوسط

1. Adequate and dignified care provision for caredependent older persons, also known as long-term care (LTC)

2. Care dependency'

اقدام مهمی انجام نداده‌اند. درحالی‌که این اهمال دولت‌ها در سرمایه‌گذاری و اطلاع‌رسانی در مراقبت بلندمدت، از منظر نهادهای بین‌المللی در عمل بر زندگی میلیون‌ها نفر که به نگهداری از اعضای خانواده‌ی سالمند خود مشغول‌اند تأثیر مستقیم دارد و این گروه عمدتاً زنان هستند که از شوهران و پدران خود مراقبت و نگهداری می‌کنند. نکته‌ی تأمل برانگیز آنکه رویکرد غالب آن است که خانواده بهترین مکان برای نگهداری سالمندان است، حتی قوانین برخی کشورها اعضای خانواده را به انجام خدمات مراقبت بلندمدت از خویشاوندان و نزدیکان سالمند متعهد کرده است (Scheil-Adlung, 2015: 12). این در حالی است که از منظر نهاد زنان ملل متحد، الگوهای خانواده‌محور برای نگهداری سالمندان بسیار ناپایدار و متغیر است. البته این گزاره، ادعایی است که باید از جنبه‌های مختلف حقوقی، روانشناسی و جامعه‌شناسی اثبات گردد. برخی تحقیقات انجام گرفته در نهاد زنان ملل متحد پیرامون وضعیت نگهداری سالمندان در موسسات عمومی در مقایسه با خانواده تصریح دارد که مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که نسل‌های مختلف تمایل زیادی به جدا بودن از یکدیگر دارند و فرزندان بالغ حتی در صورت تمایل قادر نیستند از والدین سالمند خود نگهداری و مراقبت کنند. هم‌زمان، افزایش حضور و مشارکت زنان در بازار کار و اتکای خانواده بر درآمد همه‌ی اعضا از جمله زنان مانع خواهد شد که ایشان تمام وقت خود را برای نگهداری همسر یا والدین سالمند خود اختصاص دهند. نهاد زنان ملل متحد بر این باور است که هنجارها و انتظارات اجتماعی نیز در حال تغییر و تحول است. از یک سو، سالمندان برای زندگی مستقل ابراز تمایل می‌کنند و اینکه نمی‌خواهند بار مسئولیت و امورشان بر عهده یکی از اعضای خانواده باشد و از سوی دیگر، امروزه حتی در کشورهایی که روابط خانوادگی قوی و پیوسته است، پذیرفته شده که نمی‌شود همه امور نگهداری و مراقبتی از سالمندان بر عهده یک نفر باشد (UN Women, 2018: 239). البته بدیهی است که پیش‌فرض‌های مذکور قابل تطبیق با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی مورد پذیرش در همه جوامع نباشد و عمومیت دادن به آن‌ها محل تأمل و تردید است.

بنابراین، از منظر نهادهای بین‌المللی اینکه خانواده‌ها به‌عنوان اولین نهاد مراقبت و نگهداری بلندمدت از سالمندان مطرح باشند و اغلب زنان و دختران در خانواده این امر را عهده‌دار شوند، پذیرفته نیست. در این رابطه به اسناد و مدارک و شواهدی مبنی بر فشارهای جسمی و روحی و اقتصادی-اجتماعی ناشی از این مراقبت استناد می‌شود، به خصوص در مواردی که سالمندان وابستگی کامل داشته باشند. مسئله‌ی مهم و کلیدی آن است که چگونه می‌توان به فردی

کمک کرد که از روی محبت و علاقه از اعضای ناتوان خانواده خود مراقبت و نگهداری می‌کند. از منظر نهاد زنان ملل متحد، آگاهی‌بخشی در مورد شرایط سلامت سالمندان و آموزش پایه در مورد مهارت‌های نگهداری، تأثیر مثبتی روی مراقبت‌کنندگان در کشورهای توسعه‌یافته داشته است (WHO, 2015:11-13). همچنین پرداخت کمک‌هزینه از سوی دولت برای حمایت و جبران خسارات و مابه‌ازای درآمد بالقوه به مراقبت‌کنندگان از دیگر اقدامات انجام شده در این کشورهاست. تعطیلی یا وقفه در مراقبت^۱ نیز راهکار دیگری است تا این فرد بتواند با واگذاری مسئولیت موقت به دیگری استراحت کند و امور خود را انجام دهد. این شکل از مراقبت بیشتر در خانه انجام می‌شود، اما نگهداری در مراکز روزانه یا مؤسسات نگهداری نیز گزینه‌های دیگر هستند. با این حال، در کل به نظر می‌رسد در موارد مراقبت از سالمندان در خانه و توسط اعضای خانواده، امکان مداخله‌ی دولت کم و منابع اختصاصی نیز محدود است (UN Women, 2018: 239). در گزارش دبیر کل ملل متحد در سال ۲۰۱۷ نیز توسعه‌ی بخش عمومی و خصوصی و مشاغل مراقبتی از جمله راهکارهای پیشنهادی برای ارزش‌گذاری کار خانگی زنان و نیز تحقق برابری جنسیتی و توان‌افزایی اقتصادی زنان است و در این باره تمهید تسهیلات شغلی مناسب در راستای حمایت از حقوق افراد شاغل از جمله اقدامات لازم تلقی شده است. نکته‌ی مهم آنکه مطابق برخی گزارشات، سرمایه‌گذاری روی اقتصاد مراقبتی فقط در هفت کشور موجد ۲۱ میلیون فرصت شغلی مطرح شده است که برای حل معضل سالمندی جمعیت و مقابله با رکود اقتصادی و نیز برای کاهش شکاف حقوق و دستمزد جنسیتی و جبران محرومیت زنان از مشاغل مناسب نیز گام مؤثری تلقی شده است (E/CN.6/2017/3, paras. 25-27). بنابراین، راهکار پیشنهادی نهادهای بین‌المللی ذیل شناسایی و ارزش‌گذاری کار خانگی و مراقبتی زنان، سپردن مراقبت از سالمندان و خردسالان به مؤسسات عمومی است و نکته تأمل برانگیز توجیهات عدیده‌ای است که برای این امر مطرح شده که برخی از آن‌ها از منظر آموزه‌های اسلامی و نیز ملاحظات اخلاقی و انسانی ایراد کردنی است. در واقع، نظام ارزشی و اخلاقی حاکم بر جامعه و خانواده، در راهبردهای مراقبت از سالمندان بسیار تعیین‌کننده خواهد بود، چنان‌چه در نتایج برخی تحقیقات انجام گرفته، تأثیر باورها و کارکردهای اخلاقی و مذهبی در محیط خانواده بسیار زیاد ارزیابی شده است به نحوی که استواری خانواده موجب گردیده که بحران‌های مختلف مانند بیماری، معضلات اقتصادی و نداشتن حمایت سازمانی مانع

1. Respite care

از انصراف از مراقبت از سالمند خارج از کانون خانواده گردد و مفاهیمی مانند توکل به خداوند و توسل و اعتقاد به رحمت الهی در تقویت انگیزشی جهت مراقبت از سالمند مورد تاکید است. در واقع مسئولیت مراقبت از سالمند در خانواده فراتر از توصیه‌های اخلاقی، بر پایه عقاید و باورهای مذهبی اعضای خانواده و عمل به احکام دینی ثبات و استمرار بیشتری دارد (پولادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۲۳-۵۲۲). بنابراین، در منابع اسلامی، به جایگاه سالمند توجه ویژه‌ای شده است از جمله این که سالمندان، خود موجب نزول برکت به اهل خانواده‌اند، در خانواده‌های که فردی سالخورده در آن زندگی می‌کند فقر از بین می‌رود، روحیه نشاط و خود شکوفائی در سالمند و اطرافیان پدید می‌آید. این ملاحظه در مورد والدین موکد است چرا که افزون بر حقی که والدین در دوران قبل از سالمندی بر فرزندان دارند در دوران سالمندی حقوقی مضاعف و تکالیفی سنگین‌تر بر فرزندان دارند، از جمله حقوق والدین بر فرزند در روایات اسلامی، نگهداری آنان در نزد خود، برآوردن نیازمندیها و ابراز عواطف نسبت به آنان است (بهرامی و رضانی، ۱۳۸۸: ۷۲-۷۱).

به این ترتیب، راهکاری که نهادهای بین‌المللی متأثر از آموزه‌های فمینیستی در خصوص ارزش‌گذاری کار خانگی مطرح کرده‌اند، برای زنان در همه‌ی جوامع کارآمد نخواهد بود، زیرا مطابق برخی تحقیقات انجام شده، زنان ایرانی با اینکه گاهی از کار خانگی گله دارند، حاضر به انکار و رد مسئولیت خویش نیستند و حتی از خانه‌داری لذت می‌برند. با وجود این، بر خورداری از منبع مالی مستقل و همکاری و قدردانی سایر اعضای خانواده به خصوص همسران (مردان) از جمله مطالبات جدی ایشان عنوان شده است. مطابق برخی تحقیقات انجام گرفته، زنان در بسیاری از جوامع از جمله ایران، برخلاف طرح مطالبات مادی و معنوی، همچنان به اشتغال به خانه‌داری و امور مراقبتی تمایل دارند که اولین و مهم‌ترین عاملی که در همه‌ی زنان وجود دارد، علاقه و احساسات شدید زن ایرانی به خانواده (به ویژه به فرزندان) است که سبب می‌شود زنان ایرانی حتی با پذیرفتن فشار مضاعف و ناراحتی از مشکلات کار خانگی، همچنان مسئولیت خانه‌داری را با میل و رغبت بپذیرند. انتقادهای بیشتر زنان به کار خانگی مبتنی بر مطالبه‌ی منبع مالی مستقل و همکاری و قدردانی سایر اعضای خانواده به خصوص همسران (مردان) است. قشر عظیم زنان خانه‌دار (۶۰ درصد از جمعیت) که بعد از ازدواج و تشکیل خانواده تمامی عمر خود را در خدمت نهاد خانواده و شوهر و فرزندان سپری می‌کنند، انتظار دارند، با توجه به نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند تحت پوشش خدمات تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، از کارافتادگی و مهم‌تر از آن حمایت در دوران بارداری

و پس از زایمان قرار گیرند (بدری‌منش و صادقی‌فسایی، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۳). بر همین اساس عملیاتی کردن رویکرد اسلام درباره‌ی ارزش‌گذاری کار خانگی زنان اهمیت بسیاری دارد.

در نظام حقوقی اسلام نهادهی مانند اجرت‌المثل مشخص می‌کند که از نظر اسلام خانه‌داری زن یک فعالیت اقتصادی مفید و با ارزش اقتصادی است؛ یعنی برخلاف تصور عمومی و حتی مسئولان دولتی که خانه‌داری را فعالیتی عاری از ارزش اقتصادی می‌پندارند، از نظر اسلام، خانه‌داری فعالیتی است که ارزش اقتصادی دارد. بدیهی است قبول این گزاره، تبعات گسترده‌ای را در مناسبات اجتماعی نیز به دنبال دارد (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۴۳). در پژوهش‌های اخیر، دو شیوه برای چگونگی محاسبه‌ی ارزش کار خانگی آمده است که عبارت‌اند از: محاسبه‌ی هزینه فرصت زنان خانه‌دار و محاسبه‌ی ارزش افزوده‌ی زنان خانه‌دار. روش محاسبه‌ی هزینه فرصت، حداکثر درآمدی است که انسان به ازای کاری از دست می‌دهد. در این روش، هزینه فرصت کسانی که به کار خانگی مشغول‌اند، محاسبه و عوامل مؤثر در آن بررسی می‌شود و در روش ارزش‌افزوده تلاش می‌شود، در هر فعالیت ارزش افزوده شده به خدمات و یا کالای تولید شده محاسبه شود. در این روش، برای محاسبه‌ی ارزش کار خانگی سعی می‌شود، ساعات کاری صرف شده برای هر یک از فعالیت‌های مورد نیاز در خانه تعیین و سپس با استفاده از قیمت بازار برای ارائه‌ی هر یک از این فعالیت‌ها، ارزش مادی محاسبه خواهد شد (بدری‌منش و صادقی‌فسایی، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۳). به علاوه با توجه به آنچه در بخش اجرت‌المثل گذشت، می‌توان دریافت که نوع برخورد اسلام با خدمات خانه‌داری به‌عنوان یک شغل مفید، با ارزش اقتصادی، حیاتی و مورد نیاز جامعه است. پذیرش این گزاره، تبعات وسیع و مثبتی به دنبال دارد و باید همان خدماتی که اکنون به دیگر مشاغل کشور ارائه می‌شود-از جمله بیمه‌ی درمانی، بیمه‌ی بازنشستگی، بسته‌های حمایتی کالایی و تسهیلات دیگر- به زنان خانه‌دار نیز تعلق گیرد. همچنین همان‌طور که افراد برای تصدی شغل، آموزش‌های اولیه و ضمن خدمت می‌بینند، باید برای خانه‌داری که مهم‌ترین شغل و موثرترین خدمت در جامعه است، ارائه آموزش‌های اولیه و ضمن خدمت با هدف ارتقای کیفیت آن در جهت تربیت نسل آینده و استحکام نهاد خانواده، توسط بخش دولتی و غیردولتی تمهید گردد. به همین ترتیب، باید شغل خانه‌داری به‌عنوان یک شغل مهم، اثرگذار و البته حساس در نظام آموزشی کشور هدفگیری شود و رشته‌های مناسب با هدف تربیت علمی زنان خانه‌دار پدید آید (غمامی و علوی، ۱۳۹۷: ۴۴-۴۳).

بحث و نتیجه‌گیری

ارزش‌گذاری مادی و معنوی کار و فعالیت زنان در خانواده از جمله مراقبت و نگهداری از فرزندان و نیز انجام امور خانوادگی در اسلام، مسئله مهمی است که راهکارهای حقوقی و غیرحقوقی برای آن تمهید شده و ضمن ارج نهادن به ارزش معنوی کار خانگی و تشویق همسران به فداکاری و همیاری در محدوده نقش‌های خانوادگی از محاسبه مالی کار زن در خانه نیز سخن به میان آمده است. در وهله نخست بر تعهد حقوقی و اخلاقی مرد نسبت به جبران اقتصادی ایثار زن در ایفای امور خانگی و مراقبتی، تاکید شده است که در نتیجه مرد باید تأمین اقتصادی زن را به صورت حداکثری بر عهده گیرد. بدیهی است ضمانت اجرای تعهد اخلاقی مرد در قبال زن، اجرای حق قانونی و شرعی زن به گرفتن اجرت‌المثل است.

از منظر نهادهای بین‌المللی، مشاغل فاقد درآمد و مراقبتی و خانگی ارتباط تنگاتنگی با برابری جنسیتی و برخورداری زنان و دختران از حقوق بشر و مقابله با فقر و نابرابری دارد. نکته بسیار مهم راهکاری است که از سوی نهادهای بین‌المللی در این رابطه ارائه می‌شود که هدف و غرض واقعی آن، نه شناسایی و ارزش‌گذاری اشتغالات زنان در امور خانه و نگهداری، بلکه واگذاری آن‌ها به بخش خدماتی عمومی یا خصوصی و تمهید اشتغال درآمدزا و تمام‌وقت برای زنان است. از این منظر، با هدف آزاد شدن وقت زنان و توانمند نمودن ایشان جهت دسترسی بیشتر به اشتغال تمام‌وقت و درآمدزا از طریق واگذاری اموری مانند مراقبت از کودکان به نهادهای خارجی از خانواده انجام می‌شود که علاوه بر افزایش اشتغال زنان، از آن به‌عنوان عاملی در بهبود رشد کودکان و افزایش آمادگی قبل از دبستان یاد می‌شود، البته این رهیافت از منظر رشد و رعایت مصلحت کودک و همچنین با توجه به جایگاه و آثار فردی و اجتماعی «مادری» در اسلام، مورد انتقاد جدی قرار دارد. همچنین با توجه به روند رو به رشد سالمندی جوامع، از منظر نهادهای بین‌المللی، الگوی رایج خانواده‌محور برای نگهداری سالمندان و تعهد قانونی اعضای خانواده برای مراقبت از سالمندان مورد انتقاد و از جمله موانع رشد اقتصادی و اجتماعی زنان شمرده شده است. این گزاره، ادعایی است که باید از جنبه‌های مختلف حقوقی، روانشناسی و جامعه‌شناسی اثبات گردد و آموزه‌های اسلامی مبتنی بر تکریم سالمندان در خانواده و آثار و تبعات اهتمام در مراقبت و تکریم افراد سالمند نیز مغایر با آن است. به‌این ترتیب از یک سو، در رویه نهادهای بین‌المللی، شاهد انتقال کارخانگی زنان و امور مراقبتی به موسسات عمومی یا خصوصی هستیم و از سوی دیگر، تصریح می‌شود که اغلب شاغلین در این امور قطعاً زنان خواهند بود که در واقع تداعی‌کننده نوعی دور و

چرخه غیرمنطقی است، چرا که طبق این الگوی ترسیم شده از یک سو، مادران ترغیب می‌شوند به اشتغال درآمدزا و تمام‌وقت و از سوی دیگر، خانواده‌ها ملزم به صرف هزینه برای سپردن فرزندان خردسال یا اعضای سالمند خانواده به موسسات عمومی هستند. به این ترتیب بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان برای کسب درآمد متناسب با هزینه‌های خانواده، مجبور به کار در اموری مانند بخش خدمات عمومی مراقبتی خواهند شد، در حالی که راحتی می‌توان در مورد زنانی که تمایل به مراقبت از فرزند خردسال یا والدین سالمند خود دارند، این تمایل و گرایش را محترم شمرد و خانواده را مبنا و محور این خدمات مراقبتی قرار دارد و متناسب با آن در جهت احقاق حقوق زنان خانه‌دار برنامه‌ریزی نمود. نکته مهم آن که نمی‌توان منکر ضرورت و لزوم برخی راهکارهای توصیه شده توسط نهادهای بین‌المللی برای توازن میان اشتغال و نقش‌های خانوادگی از جمله مرخصی و دیگر تسهیلات شغلی ناظر به فرزندآوری گردید، چنانچه در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز مرخصی زایمان برای مادران به نحو مقتضی اجرا می‌شود، اما راهکارهای مزبور برای آن گروه از زنان غیر شاغل که تمایل به خانه‌داری و انجام امور خانگی دارند و بنا بر ملاحظات اخلاقی یا باورهای مذهبی حاضر به واگذاری آن به موسسات عمومی یا خصوصی نیستند و در عین حال حقوق مادی و معنوی همین اقدام مفید و مؤثر خود را مطالبه می‌نمایند، کارآمد نخواهد بود. به این ترتیب، در رویه بین‌المللی مشهود است که راهکار ارزش‌گذاری کار خانگی زنان در قلمروی عمومی و بازار کار و نه در حیطه روابط و اعضای خانواده جستجو می‌شود و در چشم‌انداز مطلوب، زنان نیز همچون مردان از شغل درآمدزا و تمام‌وقت برخوردار خواهند بود، راهکاری که تحت تاثیر آموزه‌های فمینیستی است و برای زنان در همه جوامع کارآمد نخواهد بود، این در حالی است که در اسلام، راهکار ارزش‌گذاری کار خانگی زنان، متمرکز بر نهاد خانواده و در چارچوب نقش‌ها و حقوق و تکالیف خانوادگی است و البته تعهداتی بر عهده اجتماع و حکومت نیز مستقر خواهد نمود.

منابع

- ◀ افضل‌ی، مرضیه و علی انتظاری، (۱۳۹۹). «جایگاه مادری از منظر شهید مطهری در مقایسه با فمینیسم»، مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۳، ش ۸۶.
- ◀ بدری‌منش، اعظم و سهیلا صادقی‌فسایی، (۱۳۹۴). «مطالعه تفسیری نقش خانه‌داری»، فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال ۱۰، ش ۳۱.
- ◀ بهرامی، فاضل و عباس رضمانی فرانی، (۱۳۸۸). «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، سالمند، سال ۴، ش ۱۱.
- ◀ پورعبدالله، کبری و فاطمه سرخ‌حصاری، (۱۳۹۴). «مبانی فقهی و حقوقی اجرت‌المثل خانه‌داری و بررسی وظایف شرعی زوجه در فقه»، فقه و حقوق خانواده، سال ۲۰، ش ۶۳.
- ◀ پولادی، شهناز و دیگران، (۱۳۹۲). «تبیین مفهوم بصیرت خانواده در مراقبت از سالمند»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، د ۱۱، ش ۷.
- ◀ خانی مقدم، مهیار، (۱۳۹۵). «بن مایه‌های اعتقادی نقش «مادری» زن در آموزه‌های وحیانی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۲، ش ۴.
- ◀ دهقانی، محسن و دیگران، (۱۳۹۰). «تقسیم‌کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی»، خانواده‌پژوهی، سال ۷، ش ۲۶.
- ◀ طائب، حمیده، طوبی شاکری گلپایگانی و محمد رضائی، (۱۳۹۵). «مفهوم مادری با توجه به سه رویکرد سنت‌محور، مدرن/ فمینیستی و اسلامی»، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۲، ش ۴۳.
- ◀ علاسوند، فریبا و معصومه نیکوخصال، (۱۳۹۶). «توسعه مستندات شرعی جرت‌المثل کار خانگی»، مطالعات زنان و خانواده، سال ۴، ش ۷.
- ◀ غمامی، زهراسادات و سید یحیی علوی، (۱۳۹۷). «الگوی اسلامی امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار»، مطالعات زنان و خانواده، سال ۵، ش ۸.
- ◀ قلی‌زاده، آذر و سحر غفاریان، (۱۳۹۰). «آسیب‌شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی زنان، ش ۱.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی: خانواده، تهران: میزان.
- ◀ کاظمی، زهره، (۱۳۹۱). «بررسی فقهی حقوقی اجرت‌المثل زوجه در ایام زوجیت و میزان کارآمدی قوانین در استیفای آن»، فقه و حقوق خانواده، سال ۱۷، ش ۵۷.
- ◀ مرادی، خدیجه و عاتکه قاسم‌زاده، (۱۳۹۴). «اجرت‌المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۸، ش ۲.
- ◀ یمرلی، صالح، (۱۳۹۸). «واکاوی «اجرت‌المثل زوجه» در فقه حنفی، امامیه و قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱»، خانواده‌پژوهی، سال ۱۵، ش ۵۹.

- ▶ Alonso, Cristian & others,(2012). *Reducing and Redistributing Unpaid Work: Stronger Policies to Support Gender Equality*, The International Monetary Fund (IMF).
- ▶ Brooks, Kim,(2005). “Valuing Women’s Work in the Home: A Defining Moment”, *Canadian Journal of Women and the Law*, Volu 17, N 1.
- ▶ Charmes, Jacques, (2019). “The Unpaid Care Work and the Labour Market”, An analysis of time use data based on the latest World Compilation of Time-use Surveys, *International Labour Organization*.
- ▶ CRC, (2006). General Comment No.7 (Implementing Child Rights in Early Childhood), CRC/C/GC/7/Rev.1.
- ▶ Efrogmson, Debra, (2010). *Women, Work, and Money: Studying the Economic Value of Women’s Unpaid Work and Using the Results for Advocacy*, Health Bridge.
- ▶ Georgetown University Law Center, Flexible Work Arrangements: A Definition And Examples, 2009.
- ▶ Report of the Secretary-General: Women’s economic empowerment in the changing world of work, E/CN.6/2017/3.
- ▶ Scheil-Adlung, X.,(2015). “Long-Term Care Protection for Older Persons: A Review of Coverage Deficits in 46 Countries.” ESS Working Paper No. 50. *International Labour Organization (ILO), Geneva*.
- ▶ UN Women, (2016). *Redistributing Unpaid Care and Sustaining Quality Care Services: A Prerequisite for Gender Equality*. Policy Brief No. 5. UN Women, New York.
- ▶ UN Women, (2017). *Promoting Women’s Economic Empowerment: Recognizing and Investing in the Care Economy*, New York.
- ▶ UN WOMEN,(2018). *Turning Promises into Action: Gender Equality in the*

2030 Agenda for Sustainable Development.

- UNESCO, (2016). “Leaving No One Behind: How Far on the Way to Universal Primary and Secondary Education?” Policy Paper 27/Fact Sheet 37. UNESCO Institute for Statistics, Montreal, and UNESCO, Paris.
- Unicef, (2019) Family-Friendly Policies A Policy Brief Redesigning the Workplace of the Future.
- WHO,(2015). World Report on Ageing and Health. Geneva.